

دیدگاه هالیستر درباره آینده هند

Saturday, July 01, 2023 6:24 PM

واکاوی و بازنگری دیدگاه هالیستر درباره آینده شیعیان هند

هادی ولی پور

چکیده

اکنون پس از گذشت ۷۰ سال، می توان صحت و سقم آن آینده پژوهی را بازنگری کرد. هالیستر راهکارهایی را نیز برای ترمیم و توسعه بافت شیعی معاصر خود ارائه کرده که ظرفیت بکارگیری آن‌ها در جامعه امروز شیعه نیز قابل تأمل است.

کلمات کلیدی:

آینده پژوهی، شیعه، اهل سنت، رهبری، فرقه گرایسی، تقیه

آینده پژوهی روشمند و مستند به تحلیل داده‌ها، همواره از مسائل مورد توجه پژوهشگران بوده است، چرا که اثبات کننده توان علمی و ذهن تحلیل گر متخصصان هر رشته علمی می‌باشد. پیش بینی مبتنی بر تحقیقات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی پیرامون آنچه برای شیعیان هند به عنوان اقلیتی پرحاشیه و پرتاریخ اتفاق می‌افتد با استناد به عوامل تأثیر گذار بیرونی و درونی جامعه شیعه و بیان توانایی‌ها، کاستی‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای پیش رو، نتیجه پژوهش‌های مستشرق غربی در دهه ۱۹۵۰ در شهر لکنهو بوده و



مقدمه

شیعیان کشور هند پس از شیعیان جمهوری اسلامی ایران، دومین کانون جمعیتی شیعه در جهان و سومین اقلیت بزرگ در شبه قاره هند پس از اهل سنت حنفی هستند. شیعیان هندوستان گذشته با شکوهی داشته و از جایگاه تأثیرگذاری برخوردار بوده‌اند اما در وضعیت موجود به جمعیتی حاشیه‌ای تبدیل شده و حتی در خطر هویتی قرار گرفته‌اند.

آیین هندوئیسم و فرهنگ هندوتوا از سوی دولت رادیکال کنونی و اکثریت جمعیت هندوستان حمایت می‌شود و طبیعتاً به حذف و هضم تمام رقابیش می‌اندیشد، آیین‌هایی چون سیک و جین به عنوان رقیب‌هایی برون دینی و کم خطرتر در گوشه‌ای به نظاره نشسته‌اند تا شاید باری دیگر به قدرت برسند، تفکر وهابیت و سلفی، دشمنی درون دینی و در کمین شیعیان است، و جمعیت بیش از ۱۵۵ میلیونی اهل سنت هند^۱ از ابتدا رقیبی قدرتمند بوده که گاهی در جهت تقریب کوشیده و گاهی نیز موجودیت و هویت شیعیان را نشانه گرفته است. همه این رقیب‌ها و دشمنان در مجموع و به شهادت تاریخ با شدت و ضعف، تلاش‌هایی را

1. <https://b2n.ir/p7634>

برای جذب، تضعیف یا حذف شیعیان به عمل آورده‌اند و بیش از تعامل و همدلی با اقلیت شیعه در هند، گام‌هایی را در جاده جذب و هضم و حذف برداشته‌اند. برای مقابله با این جریانات باید مدل مناسبی همراه با تبیین کیفیت حفظ هویت و پیشرفت همه جانبه شیعیان هندوستان ارائه شود و طراحی چنین مدلی در نخستین گام نیازمند شناخت علمی کتابخانه‌ای و میدانی از شیعیان این کشور است.

کتاب «تشیع در هند»^۲ با ترجمه بانوی فرهیخته دکتر آزر میدخت مشایخ فریدنی^۳ از جمله منابع معتبر پیرامون تاریخ و آداب اجتماعی شیعیان هند است که مطالعه و تحلیل آن می‌تواند در طراحی الگوی پیشرفت شیعیان تاحدودی یاری رسان باشد.

این کتاب در واقع رساله دکتری جان نورمن هالیستر^۴ و جلد هشتم از مجموعه کتاب‌های «مذاهب شرقی لوزاک»^۵ است که در سال ۱۹۴۶ به مدرسه دارالتبلیغ کنندی^۶ وابسته به مدرسه دینی هارتفورد^۷ در ایالات

2. The Shia of India

۳. رک: صدسال زنان نامدار ایرانی، عطاریان، فائزه.

4. John Norman Hollister

5. Luzac's Oriental religious series; Vol. VIII.

6. Kennedy School of mission

7. Hartford Seminary Foundation.



واکاوی و بازنگری دیدگاه هالیستر درباره آینده شیعیان هند

در لاهور، کتابی را به من دادند با عنوان «در اسلام هیچ فرقه‌ای نیست».^۴ نویسنده کتاب خواجه کمال الدین بر این ادعا پای فشرده که با آنکه فرقه‌های هر مذهبی در مبانی اعتقادی خود لامحاله با یکدیگر اختلاف دارند طوایفی که به عنوان فرقه‌های اسلام معروف‌اند جملگی در باب حقایق بنیادین اسلام و اعتقاداتی که با پذیرفتن آنها انسان اسلام می‌آورد و با انکار آن از دین خارج می‌شود، متفق هستند. او اصرار دارد که لفظ فرقه را نمی‌توان به هیچ گروهی در اسلام اطلاق کرد زیرا آنها فقط در مسائل فرعی با یکدیگر اختلاف دارند.» (هالیستر، ۱۳۷۳، ۳)

هالیستر با این عقیده مخالفت کرده و چنین عنوان می‌کند که «نویسندگان و بسیاری از خطیبان بر وحدت اسلامی تاکید می‌ورزند و شقاقی را که تاریخ اسلام از آن نشان دارد کم اهمیت جلوه می‌دهند. اما این کار خیال پردازی است و تاریخ سیزده قرن گذشته خلاف آن را ثابت می‌کند. متکلمان مسلمان سنی یا دیگر علمای اهل سنت رسائل و کتاب‌های مهمی در باب تعدد فرق اسلامی نوشته‌اند. گذشته از این، آزار و تعقیب شدید فرقه‌های شیعی از سوی حکام سنی که با ایشان چون «مبتدعان

۴. اسلام مین کویی فرقه نهین

متحده امریکا ارائه شده بود. از شرح حال نویسنده اطلاعی در دست نیست و از آثار او تنها مشخصات سه اثر ذیل به دست آمده است: جامعه شیعیان در هند معاصر،^۱ اسلام و عقیده شیعی در هند،^۲ صدسالگی کلیسای متدیست در جنوب آسیا.^۳



علت تألیف کتاب

هالیستر در بیان چرایی تألیف کتاب مطالبی را عنوان می‌دارد که در جای خود قابل تأمل و حاکی از رویکرد برخی علمای معاصر دوران وی است. «چند سال پیش در انجمن کتاب اسلامی

1. The Shite Community in India today
2. Islam and Shia's Faith in India
3. The centenary of the Methodist Church in Southern Asia



بدتر از کفار» رفتار می‌کردند و حتی شیعیان را «مانند ستوران در بازار» به بردگی می‌فروختند همگی توسط مورخین نقل شده و موارد بیشتری شاهد این است که وحدت مورد ادعا هرگز در اسلام تحقق نیافته است.» (هالیستر، ۱۳۷۳، ۴)

با این توصیف به نظر می‌رسد علت تألیف کتاب اثبات تفاوت میان شیعیان و اهل سنت در اصول اعتقادی و همچنین تفاوت‌های دیگر این دو فرقه اعم از اختلافات فقهی و آداب و رسوم اخلاقی و فرهنگی و غیره در شبه قاره هند باشد.

نگاه هالیستر به تفکر شیعی هندی

دیدگاه کلی هالیستر به شیعیان مثبت است و در جای جای کتاب اخبار و تاریخ شیعیان را به گونه‌ای نقل می‌کند که در ذهن خواننده، کمتر نکات منفی خطور می‌نماید. در همان ابتدای کتاب و در بحث سقیفه برخلاف نظر برخی مستشرقین و حتی علمای اهل سنت که تفکر شیعی را نوعی تفکر حزبی سیاسی و غیراعتقادی جلوه می‌دهند هالیستر به صراحت می‌گوید: «این نظر که وضع و رفتار طرفداران علی (علیه السلام) یک حرکت حزبی بود قابل تردید است. به نظر می‌رسد این عمل قدرشناسی از علی (علیه السلام) به عنوان یک انسان کامل، و ابراز اعتماد و احترام نسبت به او به عنوان

خویشاوند پیامبر (صلی الله علیه و آله) بوده است و چه بسا این جانبداری نوعی سرزنش کسانی بود که در مراسم تجهیز جنازه پیامبر (صلی الله علیه و آله) شرکت نجسته بودند. شاید علی (علیه السلام) ابتدا می‌خواست برای مطالبه حق خود پافشاری کند، اما چون حفظ وحدت مسلمین را بر همه چیز مقدم می‌داشت، انتخاب ابوبکر را پذیرفت.» (هالیستر، ۱۳۷۳، ۸)

هالیستر در همین مسیر به گوشه‌ای از تاریخ مناسبات فرهنگی و سیاسی ایران و شبه قاره اشاره کرده و به اختصار گزیده‌ای از تاریخ و کیفیت مهاجرت شیعیان اثناعشریه و از آن مهمتر روش‌هایی که برای استقرار و زنده ماندن عزتمندان در شبه قاره در جدال با اهل سنت و گاه هندوها به کار گرفتند را نیز ذکر می‌کند.

نویسنده، کتاب حاضر را با آگاهی از اینکه نقش شیعیان در رشد و توسعه اسلام در شبه قاره مورد توجه و بررسی قرار نگرفته تألیف کرده است؛ ازین رو در بررسی وقایع تاریخی و جنبه‌های کلامی و عقیدتی تشیع، به تحولات اجتماعی شیعیان هند توجهی ویژه مبذول داشته است. همچنین از مناسبات میان فرق مختلف شیعه و نیز تأثیر متقابل معتقدات و آداب و رسوم شیعیان و هندوان غفلت نورزیده است. در این بررسی، اطلاعات



واکاوی و بازنگری دیدگاه هالیستر درباره آینده شیعیان هند

جماعت شیعیان می‌نویسد: «شیعیان به اندازه سنیان به برگزاری نماز جماعت عادت نکرده‌اند زیرا از نظر آنان امام باید از همه صالحتر باشد و شیعیان مجاز نیستند به آن که مسلمان کامل نیست و الفاظ عربی را صحیح ادا نمی‌کند و با واجبات اسلامی به طور کامل آشنا نیست و یا طهارت مولد ندارد اقتدا کنند. از این رو مادام که امام آنها غایب است غالباً به طور فردی نماز می‌گذارند البته با این باور که پیشنماز امام غائب است». (هالیستر، ۱۳۷۳، ۵۵)

این کتاب از ۲۶ فصل تشکیل شده است. فصل نخست کتاب با عنوان «فرقه‌های اسلام و ظهور مذهب تشیع» آغاز شده و با فصولی مانند «علی در مقام امامت»، «مذهب اثنا عشری»،

مبسوطی پیرامون جزئیات زندگی روزمره شیعیان، مناسک، اعیاد، خوراک، پوشاک، عادات و میراث فرهنگی، تشکیلات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و مذهبی جوامع مختلف شیعیان هند به صورتی روشمند ضبط شده است.

نویسنده که معلوم است سال‌ها در شهر لکنهو می‌زیسته، برای تحریر بخش اول کتاب خود از منابع مهم این دوره که اکثر آنها از فارسی و اردو به زبان انگلیسی ترجمه شده استفاده کرده است. بدین خاطر است که باید توجه داشت برخی تفاوت‌های رفتاری یا عقیدتی میان اهل سنت و شیعیان که توسط نویسنده ذکر می‌شود معطوف به جامعه لکنهو است نه تمام شیعیان در سراسر دنیا؛ به عنوان مثال هالیستر در خصوص نماز



خاکسپاری نمادین شهدای کربلا در لکنهو



«امامان اثناعشری»، «ورود اثناعشریه به هند»، «محرم»، «مستعلیان اسماعیلی هند»، «بهره‌ها»، «اسماعیلیه نزاری هند» و «خوجه‌ها» دنبال می‌شود.

در فصول مربوط به مسائل عقیدتی شیعیان و اهل سنت که اساساً برای استفاده خواننده غربی نوشته شده گاه به بعضی نکات اشاره شده که احتمالاً عواطف مذهبی فریقین شیعه و سنی را جریحه دار می‌کرده است. موارد معدودی که احیاناً تند بوده است در ترجمه فارسی کتاب حذف و یا توسط زیرنویس‌هایی نقد و بررسی شده است.

هالیستر ضرورت معرفی اصول اعتقادی شیعه بر اساس مآخذ شیعه را ضروری دانسته و ابراز می‌کند که این ضرورت دیر زمانی است که احساس شده است. «مذهب اثناعشری یا شیعه دوازده امامی تا حد زیادی از آثار نویسندگان سنی که شیعیان را اهل بدعت می‌دانند شناخته شده است». وی بر این حقیقت مهر تأیید می‌زند که یک اقلیت هر قدر هم کوچک، ممکن است هنوز پیوندهای نزدیکی با «سنن اصلی» را حفظ کرده باشد و چندان دور نیست که یک اکثریت با وجود تعداد بیشتر در کشاکش برخوردهای سیاسی،

آن تماس نزدیک با «مبدأ اعتقاد» را از دست داده باشد. «به امید آنکه در اسلام نخستین به مبادی این تاکیدات و توجهاتی که مکرر در آثار شیعه در باب تمایز میان «اسلام» که شخص با آوردن آن مسلمان می‌گردد و «ایمان» که انسان را مؤمن می‌سازد آمده است، دست یابیم.» (هالیستر، ۱۳۷۳، ۷۰)

در فصول مربوط به شیعیان اسماعیلی، بهره و خوجه نیز مآخذ نویسنده، کتب دینی و معتبر آنان است و از آنجا که به کتابخانه‌های شخصی جماعت بهره و خوجه دسترسی داشته اطلاعات درجه اولی که همچنان تازگی خود را حفظ کرده به دست آورده است.

روش شناسی آینده پژوهی

مباحث آینده پژوهی^۱ از جمله مطالعات بین رشته‌ای علوم معاصر می‌باشد که با جستجوی منابع، الگوها و عوامل تغییر یا ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه، برنامه‌ریزی و توسعه آن‌ها می‌پردازد. به تعبیر دیگر آینده پژوهی بازتاب دهنده چگونگی زایش واقعیت فردا از دل تغییر یا ثبات امروز است.

1. Future studies, futures research or futurology



به پیش بینی آینده شیعیان از طریق بیان فرصت‌ها و تهدیدها می‌پردازد.

نقاط قوت

۱. رهبری قدرتمند

«از میان جمعیت شیعه هند، رهبران برجسته‌ای برخاسته‌اند که خصوصیات و صفات عالی و استعداد فوق العاده‌ای از خود نشان داده‌اند و در حیات ملی پایگاهی بلند یافته‌اند.» (هالیستر، ۱۳۷۳، ۲۲۰)

هالیستر با یادآوری شواهدی تاریخی از جامعه شیعه و بررسی روند پیشرفت‌های ایشان در جای جای کتاب، وجود رهبران برجسته شیعه را از نقاط قوت ایشان برشمرده است. مقصود از رهبران بزرگ شیعه در این عبارت، معصومین علیهم‌السلام نیستند زیرا در پایان عبارت، داشتن پایگاهی بلند در حیات ملی را ذکر می‌کند و روشن است که مقصود از حیات ملی، اشاره به احزاب سیاسی و اقتضاعات ملی دارد نه زمان معصومین علیهم‌السلام که این‌گونه عبارات معمول نبوده است. البته در ادامه تحلیل‌هایش، گاهی دامنه رهبری را به معصومین علیهم‌السلام کشانده و صفات بارز امامان شیعه را به عنوان الگویی کامل به شیعیان برای توسعه و پیشرفت در دنیای مدرن یادآوری می‌نماید.

از نظر روشی، آینده پژوهان در بخش علوم انسانی از طیف گسترده‌ای از رویکردها، مدل‌ها و روش‌های تئوری و عملی استفاده می‌کنند که بسیاری از آن‌ها از رشته‌های دانشگاهی مرتبط از جمله علوم اجتماعی مانند اقتصاد، روانشناسی، جامعه‌شناسی، مطالعات دینی، مطالعات فرهنگی، تاریخ، جغرافیا و علوم سیاسی گرفته شده است. مجموعه روش‌ها و متدهای آینده پژوهی در دانشگاه‌های دنیا تاکنون به ۳۷ متد رسیده است. (اتول، ۲۰۲۰، ۱۱)

روش استفاده شده توسط هالیستر روش «روندکاوی»^۱ یا «تحلیل روند» است. در این روش، نخستین گام، کشف روندهایی است که هم‌اکنون در جریان هستند. این روش در حقیقت پیش‌بینی آینده از روی قرائن و شواهد تاریخی است که تغییرات یک داده را در گذشته نشان می‌دهد و به ویژه برای سنجش کارایی سیاست‌گذاری‌ها و نمایان ساختن مشکلات در حال ایجاد، سودمند می‌باشد. (کانوی، ۲۰۱۸، ۱۵)

هالیستر مطابق مدل تجزیه و تحلیل سوات^۲ ابتدا به نقاط قوت جامعه شیعه هند اشاره می‌کند و با تحلیل روندهای تاریخی و نقاط قوت و ضعف گذشته

1. Trend Analysis
2. SWOT



در تحلیل وضعیت رهبران شیعه باید توجه داشت که فعالیت‌های علمی، فرهنگی و سیاسی شیعیان هند در طول تاریخ تا حد زیادی به حکومت‌های شیعی هند گره خورده است یعنی تا زمانی که حاکمان شیعه بر سر کار بوده‌اند زمینه این فعالیت‌ها برای اندیشمندان شیعی فراهم بوده و زمانی که حکومت‌های شیعی ضعیف شده یا زوال یافته‌اند، فعالیت‌های شیعیان نیز در عرصه‌های مختلف کاهش یافته است؛ ازین رو بعد از زوال پادشاهی اود (حک: ۱۸۵۶-۱۷۳۲م) به عنوان آخرین و معتبرترین پادشاهی شیعی و آغاز استعمار انگلیسی، رونق فعالیت‌های شیعیان در هند نیز رو به زوال گذاشت زیرا از طرفی پشتوانه قدرت پادشاهی به پایان رسید^۱ و از طرف دیگر علمای بزرگ کنار رفته و از صحنه خارج شدند.^۲

نقش شیعیان در سلطنت نظام شاهیان احمدنگر، قطب شاهیان حیدرآباد (گلکنده) و عادل شاهیان بیجاپور و شخصیت‌های بزرگی مانند نظام الملک دولت حیدرآباد دکن، عبدالرزاق شهنازخان نویسنده کتاب معروف مآثر الأمراء، عثمان علی خان هفتمین سلطان دولت حیدرآباد، سعادت خان برهان الملک، واجد علی شاه، سکندر پادشاه شیعی کشمیر و نوه‌اش زین العابدین،

1. Re: S.chand; modern Indian history.

۲. رک: کمبجانی، داود، شرایط اجتماعی و فرهنگی شیعیان در هند امروز.

سید علی همدانی، سید محمدمومن حسینی استرآبادی، محمد مؤمن شیرازی، محمدعلی حزین لاهیجی، قاضی نورالله شوشتری، شیخ فتح الله شیرازی، غیاث الدین مقصود افضل خان شیرازی، عبدالله مجلسی برادر صاحب بحارالانوار، فاضل هندی، سید دلدارعلی، میرحامدحسین و دیگر پادشاهان، سرداران و اندیشمندان همگی گواهی بر تأیید سخنان هالیستر است.

علیرغم حضور رهبرانی ممتاز، هالیستر اشاره می‌کند که گاهی رهبران شیعه در جهت کسب منافع خود تلاش می‌کردند نه منافع مذهب تشیع. وی به بخشی از سرنوشت سادات باره اشاره کرده و می‌نویسد: بدون تردید سادات باره به خاطر منافع خود و نه به دلیل پیشبرد مذهب شیعه، در سیاست گورکانیان مداخله می‌کردند اما نفوذ آنها موجب رونق تشیع در هند گردید. (هالیستر، ۱۳۷۳، ۱۵۷)

۲. آزادی خواهی رهبران

هالیستر در بخش نقاط قوت شیعیان، به یادآوری یکی از بارزترین و کلیدی‌ترین صفات رهبران شیعه پرداخته و چنین بیان می‌دارد که با وجود اینکه آزادی خواهی رهبران شیعه در طول تاریخ زبانزد خاص و عام و یکی از نقاط قوت ایشان بوده است



واکاوی و بازنگری دیدگاه هالیستر درباره آینده شیعیان هند



نخست وزیر هند در جمع شیعیان بهره به مناسبت ایام عزاداری امام حسین علیه السلام

امروزه در مؤسسات غربی بیش از اینکه به رهبری توجه کنند به مدیریت می‌پردازند و در این زمینه نیز موفق بوده‌اند اما به این نتیجه نیز رسیده‌اند که برای توسعه ظرفیت نیروی انسانی وجود رهبرانی قوی و رهبرسازی بسیار ضروری می‌باشد. در یک موسسه یا جامعه، داشتن رهبری قوی با مدیریت ضعیف کارساز نیست و می‌تواند شرایطی ایجاد کند که از حالت عکس آن بسیار بدتر باشد؛ یعنی داشتن مدیریت قوی و رهبری ضعیف قابل قبول‌تر است. برخی از مدیران خوب هرگز نمی‌توانند رهبرانی عالی باشند و برخی دیگر با پتانسیل بسیار زیاد رهبری، به دلایل متعددی نمی‌توانند مدیرانی مؤثر و کارا باشند.

مدیریت از طریق دریافت گزارش‌ها و طرح‌ها، تشکیل جلسات رسمی و

اما متأسفانه شیعیان قرن بیستم «حاضر نیستند از اصول آزادیخواهی رهبران خود پیروی کنند».

مقصود از رهبران در این قسمت از متن به قرینه فصول نخستین کتاب، امامان معصوم علیهم السلام هستند و هالیستر چندین بار از رفتار آزادیخواهانه، غیرمتعصبانه و عدالت‌منشانه امامان شیعه به ویژه امام علی علیه السلام در دفاع از حق انتخاب و آزادی مسلمانان صدر اسلام در انتخاب خلیفه علیرغم وجود نص الهی یاد کرده است.

نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد تفاوت مقوله رهبری با مدیریت می‌باشد. این دو مفهوم نمی‌توانند جایگزین دیگری شوند اما مکمل یکدیگرند، هر یک اعمال و فعالیت‌های خود را دارند و در دنیای سازمانی مدرن که به طور فزاینده‌ای متغیر و پیچیده است وجودشان ضروری می‌باشد.



غیررسمی، تطبیق طرح‌ها با ظرفیت‌ها و بسترها، کنترل عملیات‌های میدانی و شناخت نقاط ضعف و انحراف و سازمان دهی منظم، مسیر رسیدن به اهداف را هموار می‌کند اما در مبحث رهبری، باور داشتن پیروان به بینش رهبری، و انگیزش قوی و جهت دار و تکیه بر ارزش‌ها و احساسات از سوی رهبر تعیین کننده مسیر پیش رو هستند.

جوامع غربی معاصر نسبت به جوامع شرقی همین امتیاز را دارند؛ در تقویت مدیریت کوشیده‌اند با اینکه در زمینه رهبری موفق نبوده‌اند اما در جوامع شرقی رهبران بالفعل و بالقوه فراوانی حضور داشته ولی دانش مدیریتی ضعیفی دارند. (وجدی، ۲۰۱۷، ۱۵)

۳. اصول امامت

از سوی دیگر مذهب شیعه با قبول اصل امامت و اعتقاد به اینکه امام در تمام شئون مربوط به تفسیر و وضع احکام از حق خاص پیامبر ﷺ برخوردار است (تا بتواند دین او را به ثمر برساند)، راه را برای اینکه خود را از سنت و شرع (که با دنیای امروزی متناسب نیست) آزاد سازد هموار کرده است؛ دنیایی

که اکنون دیگر بسیار پیشرفت کرده و مصرانه در پی کسب آزادی بیشتر است. (هالیستر، ۱۳۷۳، ۲۲۱)

هالیستر اعتقاد به امامت برای تبیین و اصلاح قوانین دینی را از نقاط قوت تفکر شیعی دانسته و معتقد است حتی با غیبت امام مهدی عج شیعیان باید پویایی قوانین دینی را ادامه دهند تا بتوانند احکامی متناسب با دنیای معاصر و با توجه به دو عنصر پیشرفت و آزادی داشته باشند.

۴. اصول عالی مذهب شیعه

مذهب شیعه اصولی عالی دارد که آزادی بشر و عمل اخلاقی مبتنی بر آن و رحمت خداوند را نسبت به همه بشر پذیرفته است. (هالیستر، ۱۳۷۳، ۲۲۲) تاکید هالیستر بر اصل آزادی بشر و شریعت مبتنی بر اخلاق دو نکته‌ای است که بارها بر آن تاکید شده است.

۵. برتری نظری نسبت به اهل تسنن

مذهب شیعه از لحاظ نظری بر مذهب سنی مزیت دارد زیرا اصول جزمی گذشته و اعتقاد به قدیم بودن قرآن و سنت رسول الله به روایت اهل سنت، دست این جماعت را بسته و آنان را مقید ساخته است اما از آنجا که شیعیان قرآن را مخلوق می‌دانند



واکاوی و بازنگری دیدگاه هالیستر درباره آینده شیعیان هند

عامل خارجی: فرقه گرایی هندوها

«با این همه اگر بخواهیم درباره این جمعیت (شیعیان) حکم کلی کنیم باید بگوییم که جمعیتی عقب مانده‌اند. از عوامل این عقب ماندگی یکی فرقه گرایی هندی‌هاست که جوامع مذهبی آن‌جا را متکی به امکانات خود می‌سازد از این رو برای شیعیان که نسبتاً فقیر و پراکنده‌اند این امکانات به حدی محدود است که نمی‌توان با آن موجبات پیشرفت مادی را فراهم آورد.» (هالیستر، ۱۳۷۳، ۲۲۱)

این عامل هم اکنون بسیار قدرتمند شده و شیعیان و دیگر مسلمانان هند را در خطر هویتی قرار داده است. حزب حاکم BJP بیشتر نگاه امنیتی به داخل کشور دارد و شالوده اصلی حزب، امنیت محور می‌باشد. این حزب اعتقاد دارد که سیاست‌های حزب کنگره در طی سال‌های گذشته به امنیت داخلی این کشور لطمه وارد کرده و این کشور را به سمت واگرایی داخلی سوق داده است. در نتیجه برای غلبه بر این مشکل تلاش دارد که از هند جامعه‌ای یک دست بسازد و برای رسیدن به این خواسته تلاش می‌کند که زبان هندی را هم در کنار زبان انگلیسی در سراسر مدارس و دانشگاه‌های این کشور جاری کند. هم‌نظور حمایت گسترده

راه را برای تفسیر آزادانه و تعدیل و تنظیم احکام به تناسب زمان و پیشرفت زندگی باز گذاشته‌اند. (هالیستر، ۱۳۷۳، ۲۲۰)

هالیستر با اشاره به فتنه خلق قرآن، معتقد است میان بسته و مقید بودن شریعت اهل سنت با عقیده کلامی قدیم بودن قرآن ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد. تا آنجا که در تاریخ مضبوط است مساله حادث یا قدیم بودن قرآن مساله‌ای کاملاً کلامی و از قضایای اختلافی میان معتزله و اشاعره بوده است و هیچگونه ارتباطی با انسداد فقهی و اجتهاد در احکام ندارد.

۶. موقعیت‌های مثبت جامعه هند

باید جامعه هند را برای اینکه امکان داده است و تشویق نموده است که تعداد قابل ملاحظه‌ای شیعه به مقام رهبری برسد تحسین کرد؛ ولی این رهبری هنوز مقام و موقع خود را در جامعه تثبیت نکرده و این زنگ خطری برای شیعیان هند است. (هالیستر، ۱۳۷۳، ۲۲۳)

عوامل عقب افتادگی شیعیان

هالیستر عوامل عقب افتادگی شیعیان را به دو عامل خارجی و داخلی تقسیم می‌نماید.



مالی و سیاسی از مذهب هندو در این کشور، معرفی آن به عنوان مذهب اصلی کشور، و اختصاص بودجه‌های فراوان برای بازسازی معابد تاریخی هندو و نیز ساخت معابد جدید از دیگر فعالیت‌های آنان در این مسیر است.

از نقطه نظر اجرای این سیاست، شیعیان و مسلمانان این کشور مانع بزرگی بر سر راه رسیدن به این هدف محسوب می‌شوند؛ مانعی که باید از سر راه برداشته شوند. در نتیجه مسلمانان این کشور شهروندانی وابسته به پاکستان و خائن به هندوستان و همچنین شهروندانی درجه دو محسوب می‌شوند که باید بعد از جدایی پاکستان خاک هندوستان را ترک می‌کردند و حالا که مانده‌اند یا باید به پاکستان برگردند یا اینکه تغییر دین بدهند و مذهب هندو را بپذیرا شوند. شیعیان نیز شهروندانی وابسته به ایران به شمار می‌آیند و محدودیت‌های خاص خود را دارند.^۱

عوامل داخلی

۱. تقیه

اما دلیل مهمتر آن همان مفهوم شیعی تقیه است که شیعیان را مجاز

می‌ساخته دین خود را کتمان کنند. هالیستر بر این باور است که تقیه بذر نابودی شیعه را با خود دارد. وقتی شرح آزار و تعقیب بی‌امان و مکرر شیعیان را از سوی اکثریت سنی می‌خوانیم آنان را برای قدرت مقاومتشان که بارها آن را به ثبوت رسانده‌اند تحسین می‌کنیم ولی اگر اعتبار اصول اعتقادی یک مذهب کمتر از درجه شهادت پیروان آن باشد در آن صورت نقص و خسارت اجتناب ناپذیر خواهد بود. (هالیستر، ۱۳۷۳، ۲۲۰)

تجلیل شیعه از پایداری امام حسین علیه السلام در شرایطی بسیار سخت و نابرابر به عنوان نمونه و سرمشق پیروان آن امام و ستایش رشادت و شهادتی که او در این مقاومت نشان داده به عنوان یک ارزش والای اخلاقی کاملاً در تضاد است با این رویه شیعه هند که به جوانان خود می‌آموزد معتقدات قلبی و واقعی خود را کتمان کنند و حتی به مذهب مخالفان خویش تظاهر نمایند.

حقیقت مایه حریت است و تقیه انسان را به بند می‌کشد. همین عقیده سبب شده تا آمار دقیقی از جمعیت شیعیان هند به دست نیاید و نیز همین باورها اگر تاکنون موجب انحطاط تشیع

1. <https://b2n.ir/m75131>



مطابق گزارش کمیته ساچر تنها ۱۳ درصد مسلمانان شغل دائمی دارند، در حالی که ۲۵ درصد هندوها دارای مرتبه اجتماعی بالا و شغل دائمی هستند. ۱۲ درصد نیروی کار مسلمانان در خیابان بدون محل کار ثابت و ۷۰ درصد زنان مسلمان در منزل فعالیت می‌کنند لذا مسلمانان از نظر امنیت شغلی در وضعیت مطلوبی به سر نمی‌برند. به گونه‌ای که ۷۳ درصد نیروی کار آنها بدون هیچ گونه قراردادی مشغول به کار هستند و ۷۵ درصد از مزیت شغلی برخوردار نیستند. (ساچر، ۲۰۰۶، ۲۰)

در اینجا باید بیان داشت که جامعه شیعیان هند را نمی‌توان مستقل از جامعه مسلمانان هند در این زمینه ارزیابی کرد. چون دولت هند و احزاب مخالف مسلمانان، نگاه مساوی و واحدی در این مسئله دارند. به همین علت، گروه‌های مخالف در فرصت‌های مناسب، از هیچ تخریب و تهدیدی، دریغ نمی‌کنند و به محض اینکه متوجه رشد جامعه مسلمانان می‌شوند، اقدامات تخریبی خود را اعمال نموده و مانع توسعه در این زمینه می‌شوند. لذا متأسفانه این تهدید درونی همواره از سوی گروه‌های افراطی در سراسر هندوستان بر علیه شیعیان و عموم مسلمانان وجود دارد و مانع بزرگی در این زمینه ارزیابی

در هند نشده ولی ناتوانی مداوم آن را توجیه می‌کند. (هالیستر، ۱۳۷۳، ۲۲۰)

۲. انحصارطلبی برخاسته از کاست

مساله انحصارطلبی و انحصارگرایی معمولاً یکی از مباحث مهم دین پژوهی به حساب آمده و مرتبط با حق انگاری ادیان و مکاتب است بدین معنا که هر دینی حق و رستگاری و نجات را محدود و محصور به خود می‌داند. اما هالیستر اشاره به انحصارگرایی دیگری که برخاسته از کاست اجتماعی شیعیان است می‌نماید. نظام کاستی خاصی که متأثر از همان نظام کاستی کهن هندوهاست و موجب شده که شیعیان هند به سبب جایگاه دینی خود به عنوان فرقه ناجیه یا به سبب جایگاه پادشاهی خود در حکومت‌هایی مانند اود، خویشتر را بالاتر از دیگر طبقات نظام اجتماعی هند بدانند و در نتیجه تعامل همدلانه‌ای با دیگر طبقات اجتماعی نداشته باشند. (هالیستر، ۱۳۷۳، ۲۲۰)

متأسفانه امروزه در جامعه کنونی هند، شیعیان از نظر کیفیت زندگی، بیکاری و فقدان مسکن در ردیف طبقات و کاست‌های پایین جامعه، یا همان طبقات معروف به نجس قرار دارند و به علت جوان بودن جمعیت شیعه، مشارکت آنها در فعالیت‌های اقتصادی کم است. (بروجردی، ۱۳۷۲، ۳۷)



می‌شود.^۱ اقلیت شیعه نیز نسبت به دیگر اقلیت‌ها از کاروان توسعه هند عقب مانده است حتی از اقلیت‌های مسیحی و سیک و پارسی که درصد جمعیتی پایین‌تری نسبت به شیعیان دارند.

۳. عدم مسئولیت مجتهدان زنده

اگر واقعاً مجتهدان نائب امام زنده‌اند پس ایشان باید مسئولیت هدایت و پرورش استعداد‌های کافی و نهفته در اصول تشیع را برای هر چه پربرتر و آزادتر ساختن زندگی بر عهده گیرند اما قرائن نشان می‌دهد که مجتهدان شیعی هند نتوانسته‌اند از این آزادی بهره‌ای ببرند.

چنانکه پیداست آنان نیز چون علمای اهل سنت گرفتار گذشته‌اند و تقریباً از سیر پیوسته امور جهان در حال پیشرفت غفلت دارند. آن‌ها از دو جهت به افراط رفته‌اند: یکی به سبب فریفته شدن به مقام و دیگری تعصب نسبت به جامعه شیعه هند. (هالیستر، ۱۳۷۳، ۲۲۰)

۴. کم اهمیت شدن و ابهام معتقدات شیعی

گرچه اندیشه سرانجام نیک دنیا،

۱. رک: مانده کریمی قهرودی، نگاهی به روابط مسلمانان و هندوها در کشور هندوستان؛ رضا مهدی‌نژاد و محمدرضا کلانفری بایی، جزوه هند، دفتر مطالعات و کارشناسی کشورها.

مسأله‌ای فراتر از حوزه تشیع و اسلام است و مهدویت به عنوان نمود بیرونی چنین اندیشه‌ای در اسلام از پاک‌ترین و ریشه‌دارترین عقاید دینی در زمینه مباحث آخرالزمانی و عدالت‌طلبی به شمار می‌آید، اما در حیطه عقاید شیعی جایگاه خاصی را به خود اختصاص می‌دهد و کارکرد اصلی در ادامه حیات جامعه شیعی را عهده‌دار می‌شود. ابهامات مربوط به حیات کنونی امام غائب علیه السلام و روایات گوناگون شیعیان در کیفیت ارتباط با ایشان، هالیستر را به این عقیده کشانده که این ابهام موجب کم اهمیت شدن دیگر معتقدات شیعی می‌شود و علمای ربانی شیعه باید ارتباط با امام غائب علیه السلام را به نحو محسوس‌تری در جامعه تجلی دهند. (هالیستر، ۱۳۷۳، ۲۲۲)

هالیستر در بیان معرفی امام زمان شیعیان اظهار می‌دارد: «کسانی (از شیعیان) هم می‌گویند که او (امام زمان) در همین عالم است و در بیابان‌ها و جنگل‌ها مأوی دارد و حتی به این اکتفا نمی‌کنند و اصرار دارند که او (به طور ناشناس) هر سال در روز عید قربان به زیارت خانه خدا می‌رود و من نمی‌دانم مبنای این عقیده چیست؟ (هالیستر، ۱۳۷۳، ۱۰۸)



اصرار می‌ورزند که اجتهاد واقعی حق خدا دادی هر واجد شرایطی است تا بتواند به رأی خود عمل نماید. نیاز، امری همگانی است و تنها با احساس حضور و هدایت و یاری خداوند است که حکم هر فرد ممکن است درست از کار درآید.

یک مجتهد شیعه می‌تواند در باب هر موضوعی فتوا دهد و هیچ مطلبی از حوزه تخصص او خارج نیست. به نظر می‌رسد حق صدور فتاوا به مقتضای زمان، به شیعه امکان و آزادی می‌دهد تا خود را با شرایط متحول زمان تطبیق دهد؛ حقی که اهل سنت بدان دسترسی ندارند.

نمونه بارز این امر، مطلبی است که شرح آن پیشتر گذشت یعنی عصمت نبی و امام. از آنجا که شیعه معتقد است که امام بر حسب علم لدنی، حق اظهار حدیث و خبر دارد توانست قرن‌ها پیش از جماعت سنیان که در رویه اجماع متوقف مانده‌اند، اصل اجتهاد را بپذیرد. (هالیستر، ۱۳۷۳، ۲۲۳)

اما با این وصف، مذهب شیعه همچون مذهب تسنن تا حد زیادی در بند گذشته است. اثناعشریه یا دوازده امامی‌ها به دو فرقه فرعی «اصولی و اخباری» تقسیم شده‌اند. این دو طائفه

۵. به حاشیه رفتن تشیع

از آنجا که گفت و گوهای هدفمند و مستمری میان علمای شیعه و علمای دیگر ادیان و مذاهب در هند وجود نداشته و ندارد و با اینکه همه امکانات لازم برای چنین گفت و گوهایی فراهم است اما پی‌گیری نهادی خاص برای استمرار این تعاملات در عرصه‌های علمی و فرهنگی دیده نمی‌شود و گفتمان علمی و فرهنگی تشیع را به حاشیه کشانده است.

از طرفی جریان‌های وحدت‌گریز و وحدت‌ستیز شیعه و کسانی که اصرار به لعن و نفرین یا قمه زدن دارند بهانه‌های بسیاری را برای تصفیه حساب‌های شخصی و تخریب درون مذهبی به دیگر مذاهب، ادیان و حتی احزاب سیاسی می‌دهند.^۱

راهکارها

هالیستر در پایان بخش آینده پژوهی شیعیان اثناعشری راهکارهایی را برای ترمیم و تقویت بافت شیعی هند ارائه می‌دهد.

۱. پیروی از شیوه اصولیین

تنها راه خلاصی برای این مردم پیروی از شیوه اصولیین است که خود را مقید به فتوای هیچ مجتهدی نمی‌دانند و

1. <https://b2n.ir/s95085>



در مورد اعتبار فتاوی مجتهدان که نایب امام هستند با یکدیگر اختلاف دارند.

اصولیون تا حدی سنت معتزله را ادامه داده و همان قواعدی را که معتزله برای سنجیدن صحت و سقم احادیث به کار می‌بردند معتبر می‌دانند و اصرار دارند که هر فرد حق دارد بر طبق داوری و استدلال خویش عمل نماید. بالجمله شخص اصولی با قدرت نمایندگان شریعت (اندیشمندان قلبی) در صورتی که مانع اجتهاد وی شود مخالف است و نمی‌خواهد به راهبری کسانی (فقها یا متکلمانی) گردن بگذارد که هم

خود به خطا رفته‌اند و هم جهانی را در غفلت نگه داشته‌اند. تعالیم الهی که به وسیله رسول خدا ابلاغ گردیده به تعبیر و تفسیر علما و فقها نیاز ندارد. بنا بر اصول عقاید این فرقه (اصولیون) سنت پیغمبر طبعاً مکمل احکام قرآن است و تا آنجا که با تعالیم قرآن توافق دارد الزام آور است.

یک اصولی وقتی رأی و وجدان حکم کند که فتوای مجتهد بر خلاف احکام نازل شده یا فطری یا عدالت و عقل است خود را مقید به پیروی از آن نمی‌داند. اصولیون به احادیث فراوانی که بدون درایت و انطباق با



تشییع خطیب اکبر هندوستان در لکنهؤ



واکاوی و بازنگری دیدگاه هالیستر درباره آینده شیعیان هند

معتقدات آن مبهم و کم اهمیت گردیده است. جای آن است که شیعه کمتر به جماعت خود بیندیشد و تعصب ورزد بلکه باید از نو، مانند گذشته، منادی حقایق عالی باشد که برای آن تشیع به وجود آمده است. (هالیستر، ۱۳۷۳، ۲۲۱)

نتیجه

هالیستر به عنوان مستشرقی که تا حدود زیادی مجذوب اعتقادات و فرهنگ شیعی هند شده با نگاهی مثبت و منتقدانه به بررسی ابعاد مختلف تفکر شیعی می‌پردازد. از آنجا که وی مستشرقی معروف و بسیار توانا نبوده نمی‌توان انتظار داشت که به درستی عقائد شیعی را درک کرده باشد اما در مجموع جلوه‌های مختلفی از فرهنگ شیعی هند را در دهه ۱۹۵۰ منعکس کرده و اطلاعات مفیدی را ارائه داده است.

آنچه اکنون از وضعیت شیعیان هند مشاهده می‌شود همان آینده‌ای است که هالیستر پیش بینی کرده و عواملی را که به عنوان نقاط ضعف و قوت برشمرده حتی تاکنون نیز وجود دارند. گرچه هالیستر به تفصیل پیرامون آینده شیعیان سخن نرانده است اما در همان مختصر نیز به فاکتورهایی بسیار حیاتی مانند فقدان رهبری و تعصب و فرقه گرایی شیعیان اشاره کرده که موجب آسیب‌های بسیاری در جامعه شیعه شده‌اند.

مقتضیات زمان، از سوی اخباری‌ها پذیرفته شده است معترضند؛ و اصولیون شیعه - اگر نگوییم هر اصولی مسلمان - عقایدی مانند عقاید دسته متعلق به براد چرچ «Broad Church»^۱ دارد. (هالیستر، ۱۳۷۳، ۲۲۰)

۲. شیعه عاملی زنده نه جماعتی مجزا

شیعه نه به عنوان یک جماعت مجزا، بلکه به عنوان یک عامل مؤثر و زنده در جمع امت اسلامی است که می‌تواند آنچه در توان دارد عرضه نماید و به نصیب و بهره خویش برسد. (هالیستر، ۱۳۷۳، ۲۲۲)

هالیستر اشاره می‌کند که شیعیان کمتر در نمازهای جماعت ائمه مساجد خود شرکت می‌کنند و اعتقادی واقعی به شرکت در نمازهای جماعت اهل سنت نیز ندارند در حالیکه نباید خود را جماعتی مجزا دانسته و با پویایی و فراگیری فقه خود تعاملات اجتماعی را بیش از پیش افزایش دهند.

۳. منادی حقایق عالی شدن

در واقع علیرغم رهبری این افراد، تشیع به حاشیه کشیده شده و ویژگی

۱. دسته‌ای از پیروان کلیسای انگلیس که معتقد به تعبیری سهل و جامع از اصطلاحات شرعی هستند.



منابع فارسی

۱. جمشیدی بروجردی، محمدتقی، علل ریشه‌ای درگیری‌های مسلمانان و هندوها. تهران، وزارت چاپ و انتشارات امور خارجه، ۱۳۷۲ ش.
۲. رضا مهدی‌نژاد و محمدرضا کلانفری بایی، جزوه هند، دفتر مطالعات و کارشناسی کشورها، معاونت پژوهش، جامعه المصطفی صلوات الله علیه، ۱۳۸۶ ش.
۳. عطاریان، فائزه، صد سال زنان نامدار ایران زمین، چاپ اول، تهران، کتاب نغمه، ۱۳۹۵ ش.
۴. کمیجانی، داود، شرایط اجتماعی و فرهنگی شیعیان در هند امروز، فصلنامه علمی مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۳، ش ۱۲، ۱۳۹۳ ش.
۵. هالیستر، جان نورمن، تشیع در هند، مشایخ فریدنی، آزردهخت، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳ ش.

منابع انگلیسی

1. Conway, Maree, An Overview of Foresight Methodologies, Thinking Futures, 2006.
2. James Joseph O'Toole, "Futurology, social science", Encyclopedia Britannica, 2020.
3. Muh Barid Nizarudin Wajdi, STAI Miftahul Ula Nganjuk, The Differences Between Management and Leadership, Sinergi Jurnal Ilmiah Ilmu Manajemen, 2017.
4. Sachar, Complete Sachar Committee Report (English), 2006.
5. S.chand; modern Indian history, published by s.chand, Sidney; historic lucknow, asian educationservice, 2001.
6. The Shia of Inida, Hollister, John Norman, London, Luzac company Ltd. 1953.